

نحوه آموزش کودکان استثنائی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر مبنای اصول روانشناسی

هادی اسداللهی بروجنی^۱، مرضیه غفاری نقنه^۲، فرهاد امیری دوماری^۳

^۱کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور

Hadi.asadolahi1376@gmail.com

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد، آموزش کودکان استثنائی، دانشگاه تهران

Marziyehghaffari74302@gmail.com

^۳کارشناسی، آموزش کودکان استثنائی، دانشگاه فرهنگیان

چکیده

آموزش کودکان استثنائی شرایط و ملزومات خاص خود را می‌طلبد. در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی آموزش و پرورش کشور، بر آموزش کودکان استثنائی تأکید فراوانی شده است. از این رو پژوهش حاضر با هدف «نحوه آموزش کودکان استثنائی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر مبنای اصول روانشناسی» انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. همچنین داده‌ها با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به سه شیوه می‌توان نسبت به آموزش کودکان استثنائی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی اقدام نمود که از جمله این تأکیدات می‌توان به اختصاص محلی مناسب برای آموزش کودکان استثنائی اشاره کرد. همچنین باید گفت که معلمان این مدل از دانش‌آموزان باید آموزش‌های مخصوصی را فرا بگیرند تا توانایی ارتباط‌گیری با آن‌ها را داشته باشند همچنین به طور مشخص از ویژگی‌ها و رفتارهای هر کدام از دانش‌آموزان اطلاع لازم کسب نمایند. علاوه بر این دو مورد، مددکاران و مشاوران می‌توانند نقش موثری در آموزش کودکان استثنائی داشته باشند و آن‌ها را در جریان یادگیری مشارکت دهند.

واژگان کلیدی: کودکان استثنائی، تعلیم و تربیت، روانشناسی، آموزش، دانش‌آموزان

۱- مقدمه

یکی از معضلات کنونی جهان و به طور کلی جوامع مختلف، بخصوص در کشورهای در حال توسعه ازدیاد روزافزون جمعیت است. ازدیاد جمعیت بدون شک در سالهای آینده بشریت را با مشکلات بزرگی از قبیل تغذیه، مکان مناسب زندگی، بهداشت و درمان، تحصیل علم و دانش و حتی مسائل اخلاقی و عاطفی روبرو خواهد ساخت. از جمله دیگر مشکلات ازدیاد جمعیت که بشریت با آن و روبرو خواهد بود وجود کودکان و افراد معلول و استثنایی و افزایش روزافزون آنها در جوامع مختلف بشری است. از نظر آموزشی کودک استثنایی کودک است که نیاز به تعلیم و تربیت خاص داشته باشد و از کلاس و تعلیم عادی نتواند بهره ی کافی گیرد و از جنبه کلی نیز چنانچه کودک از نظر فراگیری مطالب، رفتار، هوش و یا گذران زندگی نتواند چون کودکان عادی و بهنجار عمل کند و به جبهتی با کودکان اعمال خود تفاوتهای رفتاری، گفتاری و یادگیری داشته باشد و از حد یک کودک عادی هم خود خارج باشد استثنایی نامیده می شود (پاکزاد، ۱۳۷۶) در هر جامعه ای بخش قابل توجهی از افراد انسانی را کودکان تشکیل داده و با توجه به این که آنان از لطافت روحی بالایی برخوردارند و همچنین بسیار آسیب پذیر و شکننده می باشند، به طوری که تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروز بر پیچیدگی روابط انسانی تاثیر گذار بوده قدر جهان امروز، محمد فعالیت های مشاوره ای معطوف به مدرسه است و مدارس و آموزشگاهها به مهمترین پژوهش و عمل در مشاوره تبدیل شده اند. ولی متأسفانه این مساله در میهن ما جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. در حالی که اهمیت این دوره و به طور کلی دوره ابتدایی بر هیچ کس پوشیده نیست و چه با کودکانی که بعلت طلاق والدین در وضعیت نابسامانی بسر می برند، و هر روز می بیند که مادر با پدر، همکلاس هایشان به مدرسه مراجعه می کنند، و اصطلاحاتی که ممکن است دوستانشان به آنه بزنند که فلانی پدر یا مادر ندارد و همچنین در مورد افرادی که والدین را به دلایل گوناگون از دست داده اند. (حسین نژاد، ۱۳۷۹) فریود روان انسان را به کوه یخی بزرگ تشبیه می کند که بخش بزرگی از آن در اعماق آب غوطه ور است و تنها قله ی آن از آب بیرون است به عبارتی، آگاهی ما از افکارمان بسیار اندک است و بخش عظیمی از ادراکها، تمایلات و آرزوهای عمیق در زیر آستانه آگاهی قرار دارد و دور از دسترس است. عملکردها و جلوه های روان یا ذهن را مستقیماً نمی توان دید که به آن اصطلاحاً "رفتار" می گویند رفتار کلمه ای است که روان شناسان برای بیان آنچه مردم انجام می دهند به کار می برند و آن را مطالعه می کنند (گنجی، ۱۳۸۶).

از آن جا که روانشناسان عمدتاً روانشناسی را علم مطالعه رفتار می دانند یعنی تاکید بر عینیت دقت اندازه گیری سنجش و آزمایش است. مشکل اساسی در این تعریف ممکن است تفاوتهای فردی به آسانی از نظر دور بماند وجود ارتباط بین تواناییهای ذهنی و نتایج کارها مورد تحقیق گرفته و به تایید رسیده است. مثلاً تحقیقی که در مورد کارمندان ادارات انجام گرفته، نشان داده است که بین خوش و دشواری کار رابطه معنی داری وجود دارد بدین ترتیب که افراد باهوش، روی هم رفته مشاغل مشکل را اشغال می کنند. با گذشت زمان فرد تمایل پیدای می کند در جبهتی پیش برود که با استعدادهای او هماهنگی دارد (کریمی، ۱۳۷۱).

بررسی های علمی نشان می دهد که از هر ده انسانی که در این جهان پهنار زیست می کنند. یک نفر شناخته یا ناشناخته با معلولیت و کمبودی در گیر است و قریب پنج درصد کودکان، دچار نقشی جسمی، حسی یا ذهنی هستند و درصد قابل توجهی از این عده نیاز به آموزش خاص و مراقبتهای ویژه دارند این واقعیت ها و حقایق نظیر وجود نارساییهایی از قبیل سوء تغذیه، جنگ، شدن بنیان خانوادگی و کافی نبودن بهداشت و درمان در بسیاری از نقاط جهان که خود از عوامل موثر در ازدیاد کودکان استثنایی هستند لزوم توجه عمیق تر به مساله را ایجاب می کنند و به موضوع پیشگیری از تولد کودک معلول، و جلوگیری از ابتلادی به معلولیت بعد از تولد ارزش و اهمیتی خاص می دهد. (پاکزاد، ۱۳۷۶). اگرچه قرن بیستم، عصر کودک نامیده شده د اما هنوز محرومیت عاطفی وجود دارد و مسئول این محرومیت ها در حال حاضر جامعه ای است که به نظر نمی رسند کودکان را دوست داشته باشد به همان اندازه ای که ما پیشرفته تر شده ایم، به همان اندازه نیز کودکان را از مردم جدا کرده ایم و از آنها انتظار داریم از محیط های طبیعی دوری جویند و در آپارتمان های چند طبقه زندگی کنند و محیط های آرام بخش و تشریحی را برای بزرگترها بگذارند زمانی که آمدن نوجوان به دنیای خارج از خانه امری ناخوشایند تلقی می شود. وظیفه والدین در قبال فرزندان بطور روز افزون، مشکل تر می گردد. در روستاها و شهرهای کوچک بچه ها به محض اینکه به اندازه کافی بزرگ شدند برای کمک به والدین خود به آنها می پیوندند. تحقیقات نشان داده است که این همکاری به آنها کمک می کنند تا نقش فعالتری را به عهده بگیرند و به همان اندازه فعالیت خیلی بهتری را در سطح مدرسه داشته باشند. (اقبالی، ۱۳۸۵).

توجه به شناخت و آموزش و پرورش کودکان و دانش آموزان استثنایی، یعنی افرادی که به دلایل خاص جسمانی، ذهنی، عاطفی و روانی نمی توانند از برنامه های عادی آموزشی به نحوی مطلوب بهره مند گردند. از نشانه های پیشرفت و اصالت و قوت و غنای فرهنگ و نظام آموزش و پرورش هر جامعه ای است.

کوشش در جهت شناسایی و برنامه ریزی و ایجاد تسهیلات آموزشی هر چه بیشتر برای کودکان و دانش آموزان استثنایی، عمدتاً به دلیل نیاز فرهنگی فوق العاده از اولویت خاصی برخوردارند، از اهداف و نظام آموزشی است. مطابق ارقام و آمار بین المللی حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از کل دانش آموزان سنین مدرسه رو در هر جامعه ای به نحوی از انحا نیاز به برنامه های آموزشی ویژه دارند. نگاهی کوتاه به آمار کل دانش آموزانی که در حال حاضر زیر پوشش آموزش و پرورش استثنایی قرار دارند بیانگر این حقیقت است که امروزه فقط کمتر از یک درصد از کل این قبیل دانش آموزان واجب التعلیم از برنامه های آموزش استثنایی برخوردار بوده و بقیه با همه مشکلات و نارسایی ها، در مدارس معمولی جایگزین می گردند و یا در مواردی اصلاً از کلاس و مدرسه بهره ای نمی برند، و این موضوع از مسئولیت اولیای امور در تهیه و تنظیم برنامه های جامعی در جهت شناسایی و آموزش و پرورش کودکان و دانش آموزان استثنایی خبر می دهد.

تعریف کودکان استثنایی

کودک استثنایی اول یک کودک است و بعد کودکی است با خصوصیات و صفاتی استثنایی نسبت به همه کودکان دیگر. در واقع این ویژگی ها و تفاوت هاست که مربیان و مشاوران و معلمان با آن سر و کار دارند و این تفاوت ها هستند که پدران و مادران باید خود را با آن سازگار و هماهنگ کنند.

در حقیقت همه افراد انسان ها از نقطه نظر خصوصیات مختلف جسمانی، بیولوژیکی، ذهنی، روانی و عاطفی، سازگاری اجتماعی و... یکسان نبوده و نسبت به همدیگر دارای تفاوت های خاصی اند. در واقع نه تنها هر فرد نسبت به افراد دیگر از نقطه نظر ابعاد مختلف جسمانی و ذهنی دارای تفاوت های ویژه ای است حتی بین توانایی ها و استعدادها هم تفاوت های مشهود و موجود است لذا بدین ترتیب هر فرد نسبت به افراد دیگر استثنایی است و کلمه «استثنایی» به طور اعم و به معنای دقیق علمی خود نمی تواند فقط به گروه های خاصی از افراد جامعه اطلاق شود.

آن چه که ما اصطلاحاً «کودک استثنایی» می گوئیم غالباً بدین معناست که کودک از نظر هوشی، جسمی، روانی و اجتماعی به میزان قابل توجهی نسبت به دیگر همسالان خود متفاوت می باشد که نمی تواند به نحوی مطلوب حداکثر استفاده را از برنامه های آموزش و پرورش عادی ببرد و ناگزیر نیازمند به توجه خاص و آموزش و خدمات فوق العاده ای می باشد.

از نظر آموزشی کودک استثنایی کودکی است که برای تأمین حداکثر نیازهای تربیتی و آموزشی او باید تغییراتی در شیوه های تربیتی و آموزشی خانواده و در برنامه های مدارس عادی داده شود. بر این اساس نحوه آموزش کودکان استثنایی در نظام تعلیم و تربیت از اهمیت بسیاری برخوردار است از این رو پژوهش حاضر در صدد است تا با تکیه بر مطالعات انجام شده و تحقیقات مرتبط، روش های آموزش کودکان استثنایی را ارائه نماید.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری آثار مبتنی بر شیوه کتابخانه و اسنادی می باشد و داده های مرتبط با پژوهش گردآوری شده است سپس با رویکرد توصیفی - تحلیلی داده های موجود مورد بررسی قرار گرفته اند.

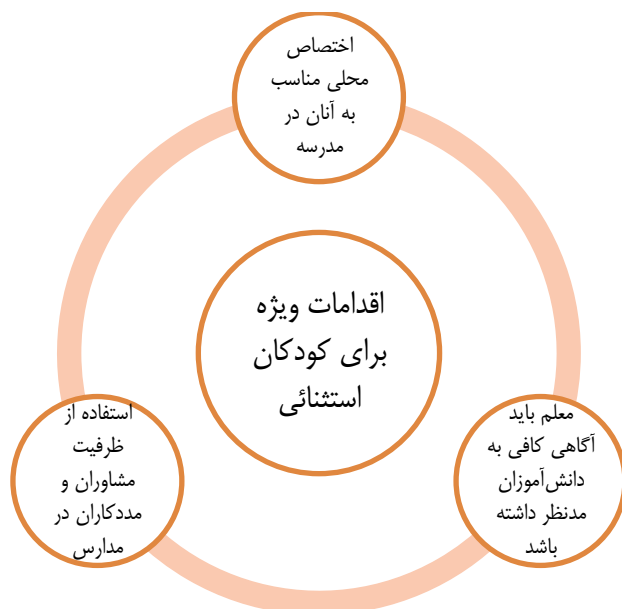
۳- یافته های پژوهش

تغییرات به عمل آمده در محیط کودکان استثنایی که به موجب آن افراد استثنایی به عنوان شهروندانی همچون افراد عادی تلقی می شوند سبب ایجاد اصطلاحات جدیدی شده است برخی از این اصطلاحات شامل

- عادی سازی: یعنی ایجاد محیط آموزشی و اجتماعی طبیعی برای کودک و بزرگسال استثنایی در حد امکان.

- خارج سازی از پناهگاه‌ها: یعنی فرایندها سازی تعداد زیادی از کودکان و بزرگسالان استثنائی از قید و بندهای موسسات پناهگاهی و وارد ساختن آن‌ها در جامعه.
- جایگزینی و ادغام: یعنی فرایند وارد کردن کودکان استثنائی در جمع کودکان غیراستثنائی و در موقعیت‌های آموزشی معمول (اندیشمند، کمالی، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

امروزه ما قوانینی داریم که طبق آن کودکان و خانواده‌های نیازمند از زمان تولد کودک و از زمان شناسایی کودک از خدمات ویژه‌ای استفاده می‌کنند یکی از خدمات مهم، خدمات انتقالی است که به دانش‌آموز استثنائی کمک می‌کند تا از مدرسه به دنیای کار و جامعه منتقل شوند که با علاقه‌های جدید نسبت به دورنمای زندگی کودکان استثنائی توجهات جدید به خدمات انتقالی معطوف شده است. تاکید جدید بر خدمات انتقالی مربیان آموزش‌های ویژه را مجبور می‌سازند تا با سایر متخصصان موجود در این رشته همکاری داشته باشند. برنامه‌ریزی‌هایی که برای انتقال انجام می‌گیرد باید با همکاری کسانی مانند: مربیان شغلی، کسبه محلی، روان‌شناسان و مشاوران صورت گیرد. امروزه مشخص شده که خدمات انتقالی نه تنها ضروری می‌باشد بلکه خیلی از کودکان استثنائی نمی‌توانند بدون کمک‌هایی که باید پس از سال‌های تحصیل در مدرسه انجام گیرد، خود را با زندگی بزرگسالی وفق دهند. تنها از طریق همکاری بین معلمان ویژه در مدارس متوسطه و آن‌هایی که خدمات به بزرگسالان ارائه می‌دهد می‌توان نتایج برنامه‌های آموزشی ویژه را بهبود بخشید. همچنین اگر قرار باشد که کودکان مبتلا به معلولیت‌های خفیف را در کلاس‌های عادی جایگزین کنیم باید از یک سیستم وسیع حمایتی که در آن گروهی از متخصصان، نظیر متخصصان خواندن، روان‌شناسان، آسیب‌شناسان گفتار و زبان همکاری داشته باشند (راجی، ۱۳۹۴). هدف از آموزش‌های ویژه ارائه خدماتی به کودکان استثنائی است که نتوان آن خدمات را در کلاس‌های عادی فراهم کنیم. برنامه‌های آموزش ویژه به این علت که سعی دارند تفاوت‌های میان گروهی و فردی را مورد توجه قرار دهند، با برنامه‌های کلاس‌های عادی مختلف می‌باشند. در ضمن آموزش‌های ویژه تنها به این دلیل که آموزش‌های عادی با شکست مواجه شده‌اند به وجود نیامده‌اند. معلمان کلاس‌های معمولی اصولاً قادر نمی‌باشند که به کودکان استثنائی بیه طور کامل پاسخ دهند. آن‌ها نه دقت این کار را دارند و نه منابع لازم را در اختیار دارند. برای کمک به کودکان استثنائی، جهت مسلط شدن بر محتوای درسی و مهارت‌های ویژه، اغلب به محیط آموزشی مخصوصی نیاز داریم. تغییرات ایجاد شده در محیط آموزشی در سراسر سیستم آموزشی می‌تواند احساس شود. این تغییرات را می‌توان به شکل زیر اعمال کرد:



یکی از مواردی که در حال حاضر به آن توجه شده است تهیه برنامه‌های جهت آموزش‌های انفرادی به کودکان استثنائی می‌باشد که در این برنامه باید ویژگی‌هایی را رعایت کرد از جمله این که باید

- به ماهیت مشکل کودک
- هدف‌های دراز مدت برنامه
- خدمات آموزش‌های ویژه
- و در نهایت معیارهایی جهت ارزشیابی موثر بودن برنامه توجه شود.

نکته حائز اهمیت آن است که ارتباط روشنی بین کودکان دارای فرهنگ‌های متفاوت و آموزش‌های ویژه وجود دارد (مجله کودک، شماره ۵۷). بحث دیگر در تربیت و آموزش کودکان استثنائی پرورش شخصیت دانش‌آموز با اتکا به عزت نفس است.

عزت نقش واژه‌ای است که به احساس فرد نسبت به ارزشمندی و تایید او نسبت به خودش اطلاق می‌گردد (خاطری، ۱۳۸۵). همچنان که کودک از خود درکی پیدا می‌کند و هویت خود را می‌یابد، تلویحا برای خصوصیات خود، ارزشی منفی یا مثبت قائل می‌شود. در مجموع، با ارزیابی‌هایی که کودک از خود می‌کند عزت نفس او شکل می‌گیرد (ماسن و دیگران، ۱۳۷۰: ۴۱۳). آنچه تعیین‌کننده عزت نفس است، شیوه فکری هر کس نسبت به خود است. این مفهوم در اثر تجربه‌های زندگی، که حاصل شکست‌ها، موفقیت‌ها، تشویف و تحقیرهای دیگران، پیشرفت‌ها، واکنش و احترام دیگران نسبت به ما، به ویژه در دوران کودکی است، شکل می‌گیرد (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱).

۴- نتیجه‌گیری:

آموزش کودکان استثنائی شرایط و ملزومات خاص خود را می‌طلبد. در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی آموزش و پرورش کشور، بر آموزش کودکان استثنائی تاکید فراوانی شده است. از جمله این تاکیدات می‌توان به اختصاص محلی مناسب برای آموزش کودکان استثنائی اشاره کرد. همچنین باید گفت که معلمان این مدل از دانش‌آموزان باید آموزش‌های مخصوصی را فرا بگیرند تا توانایی ارتباط‌گیری با آن‌ها را داشته باشند همچنین به طور مشخص از ویژگی‌ها و رفتارهای هر کدام از دانش‌آموزان اطلاع لازم کسب نماید. علاوه بر این دو مورد، مددکاران و مشاوران می‌توانند نقش موثری در آموزش کودکان استثنائی داشته باشند و آن‌ها را در جریان یادگیری مشارکت دهند. باید توجه داشت که عزت نفس دانش‌آموزان و کودکان استثنائی نیز یکی از مواردی است که در حین آموزش باید مورد توجه قرار گیرد چرا که در صورت پایین بودن عزت نفس، فرد دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گردد.

منابع:

- اندیشمند، ویدا؛ کمالی، لیلا (۱۳۹۸)، آموزش‌های ویژه برای کودکان استثنائی، نشریه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۸، شماره ۱۸، صص ۱۳۹ - ۱۳۵.
- خاری آرانی، مجید؛ رهنما، اکبر؛ برخوردار، رسول (۱۳۹۶) تامل در فلسفه تربیت کودکان استثنائی: مبانی، اهداف و اصول، نشریه معرفت، شهریبور ۱۳۹۶، شماره ۲۳۷، صص ۸۴ - ۷۱.
- پاکزاد، محمود (۱۳۷۶)، کودکان استثنائی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راجی، ملیحه (۱۳۹۴)، ارتقای زندگی و رضایت (یادگیری خودگردان و توانمندساختن کودکان استثنائی)، ماهنامه رشد آموزش ابتدایی، شماره ۱.
- حسین‌نژاد، محمد (۱۳۷۹)، مفاهیم و کاربردها در مشاوره با کودکان، تهران: سپندهنر.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۶)، روان‌شناسی عمومی، تهران: ساوالان.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۱)، تفاوت‌های فردی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجله کودک، اهمیت آموزش برای کودکان استثنائی، شماره ۵۷.